

راه و بیراه

در چنگ اشباح تاریکی

به خودم می‌گفتم زن حسابی این چه کاری بود که کردی. اگر اتفاقی برایت بیفتد چه کسی می‌خواهد جواب بدهد؟ در همین فکرها بودم که ناگه‌هم به آینه که صدای گروپ‌گروپ را شنیده زل زده بود به آینه و از من چشم برنمی‌داشت.

ترسیده بودم و ضربان قلبم با نهایت سرعت خون را به رگ‌هایم هدایت می‌کرد، طوری که صدای گروپ‌گروپ آن‌به‌راحتی شنیده می‌شد. عرق سردی بر تنم نشسته بود و خدا خدا می‌کردم که فقط یک ظن بی‌مورد باشد.

از راننده خواستم تا کنار خیابان بایستد اما هیچ واکنشی نشان نداد. همان لحظه‌یی به نیت شومش بردم. ابتدا فکر می‌کردم مرد جوانی که کنار دستش نشسته مسافرش است اما با این رفتار شیطانی او دریافتم دست هردوشان در یک کاسه است.

کم‌کم داشتیم به یک چهارراه نزدیک می‌شدیم. با خودم گفتم به محض رسیدن به آن خود را از ماشین پایین می‌اندارم ولی گویا آن‌ها دستم را خوانده بودند و قبل از رسیدن به چهارراه مسیرشان را تغییر دادند و به داخل خیابانی خلوت و تاریک پیچیدند.

نه خانه‌ای بود و نه کسی که از او کمک بخواهم. البته اگر هم می‌خواستیم نمی‌توانستیم چراکه صدایم از ترس بالا نمی‌آمد. دقیقا همان چیزی اتفاق افتاد که از آن می‌ترسیدم. نمی‌دانستم قرار است چه بلایی سرم بیاورند. ناخداگاه شروع به جیغ زدن کردم تا شاید صدایم از پشت شیشه‌های بالا کشیده خودروی این مردان شیطان صفت بیرون رود و به گوش یک پدرآمرزیده‌ای برسد. در این میان همدست راننده از خودرو پیاده شد و به سراغم آمد و مرا به باد کتک گرفت. راننده هم در همان وضعیت از من خواست تا دست از جیغ کشیدن بردارم و هر چه می‌خواهند را به آن‌ها بدهم. با زور و تهدید و کتک دستبند طلا، انگشتر جواهر، کیف پول و مبالغی وجه نقد که چند دقیقه قبل از این ماجرا از عابر بانک گرفته بودم را به همراه گوشی تلفن همراه و مدارک هویتی‌ام دزدیدند. از ماشین بیرونم انداختند و بعد هم پا به فرار گذاشتند. من جل زده‌ها وسط کوچه تاریک که هیچ

روی خط حادثه



طی اعلام یک مسورد حریق در خیابان امام رضای مشهد به سامانه فوریت‌های ۱۲۵، بلافاصله تیم‌های اطفای حریق و امداد نجات دو ایستگاه آتش‌نشانی راهی محل حادثه شدند. به محض حضور آتش‌نشانان مشهودی در محل و انجام بررسی‌های اولیه مشخص شد کانون حریق یک حمام قدیمی است که از سوی افرادی به انبار کفش بدل شده بود.

با توجه به اشتعال پذیر بودن لوازم موجود در این انبار و حجم بالای حریق احتمال سرازیر بهانه‌های آتش به املاک مجاور این محل وجود داشت از همین رو آتش‌نشانان ابتدا در راستای پیشگیری از وقوع حوادث احتمالی جریان برق و گاز این محل را قطع کرده و سپس به نبرد با حریق پرداختند.

نامی برای حسین، جانی برای دیگری

اهدای عضو کودک خردسال مرگ مغزی در مشهد موجب نجات و ادامه زندگی کودکی دیگرشد. مسئول واحد فراهم‌آوری اعضای پیوندی دانشگاه علوم پزشکی مشهد در این باره گفت: درنصدد و هشتاد و دومین عمل اهدای عضو در مشهد حسین فامیلی کودک یک و نیم ساله مرگ مغزی که از بخش مراقبت‌های



روزنامه شهرامید وزندگی

اشنبه ۱۱ اسفند ۱۳۹۸ ۴۴ رجب ۱۴۴۰ ۳۰۵۸ شمسه

SHAHRAANEWS.IR



حوادث شهر

تازه داماد جوان شبانه به منزل همسرش رفت، اما نعووسش در خانه نبود. رفتارهای سرد مادرزنش که زن دایی‌اش بود، همچون جرقه‌ای، انبار اختلافات قدیمی خانوادگی را شعله‌ور کرد. بگومگوهای شبانه آن‌ها تا آنجا پیش رفت که مرد جوان با عصبانیت آنجا را ترک کرد.

ساعت حدود ۲ بهاداد بود که فردی هراسان در تماس با پلیس ۱۱۰ اعلام کرد که زنی چاقو خورده و درون حیاط خانه‌اش افتاده است. تماس‌گیرنده پس از اعلام آدرس سریعاً گوشی را قطع کرد. با اعلام این موضوع و احتمال در خطر بودن جان شهروندان بلافاصله تیمی از مأموران انتظامی شهرستان انابد از توابع شهرستان پردسکن به محل اعلام شده اعزام شدند. مأموران زمانی به محل رسیدند که شهروندان زیادی در آنجا تجمع کرده بودند و مأموران اورژانس نیز رسیده بودند. بررسی‌ها نشان داد که پیکر نیمه‌جان زنی چهل و سه ساله غرق در خون درون حیاط منزلش افتاده است. تکنسین‌های اورژانس نیز پس از معاینات اولیه مرگ او را تأیید کردند.

آغاز تحقیقات محلی

کشیده شدن نوار هشدار در محل و دور کردن شهروندان از صحنه جرم اولین اقدامی بود که مأموران انجام دادند و سپس موضوع به مقام قضایی اطلاع‌رسانی شد. کارآگاهان پلیس آگاهی فرماندهی انتظامی پردسکن، به همراه باز پرس داسرا و پزشکی قانونی این شهرستان برای رسیدگی به پرونده خود را به محل جنایت رساندند.

بررسی‌های اولیه نشان داد که در زمان وقوع جنایت، مقتول در خانه تنها بوده است و این حادثه نیز نیمه‌شب رخ داده است. بررسی‌های کارشناسان پزشکی قانونی نیز مشخص کرد که این زن میانسال از سوی مهاجمان ناشناس مورد هجوم واقع شده و چندین ضربه چاقو به ناحیه گردن و صورت او برخورد کرده است. تحقیقات میدانی از همسایه‌ها و شاهدان احتمالی آغاز شد، اما هیچ یک از همسایه‌ها متوجه سر و صدا نشده بودند. از آنجایی که حادثه در حیاط منزل رخ داده بود و متوفی هنگام جنایت چادر به سر نداشته است، فرضیه دست داشتن یک آشنا در این جنایت از سوی مقام قضایی مطرح شد. کارآگاهان جنایی پلیس آگاهی نیز همسرش که به طرز مشکوکی آن شب در منزل نبوده را آغاز کردند. اما مستندات ارائه شده از سوی مرد خانواده و همچنین وضعیت روحی و روانی‌اش، اتهام دست داشتن او در جنایت را برطرف کرد.

شناسایی اولین متهم

یکی از سئوالاتی که می‌توانست در این پرونده به کمک مأموران باید، پرس‌وجو در خصوص افرادی بود که با این خانواده مشکل داشتند. اختلافات مرحوم با تازه‌دامادش موضوعی بود که پای یک متهم دیگر را به پرونده کشود، اما هیچ کس از او خبری نداشت. داماد جوان به تلفن همراهش نیز جواب نمی‌داد، همین قایم‌باشک بازی‌های داماد بیست و چهار ساله موجب شد تا کارآگاهان طرحی را برای شناسایی و

دستگیری داماد جوان آغاز کنند. با دستور مقام قضایی کمتر از ۳ ساعت از وقوع قتل این فرد به همراه دو نفر از دوستانش در مخفیگاهشان در یکی از محلات شهرستان انابد شناسایی و دستگیر شدند.

جوان بیست و چهار ساله که به تازگی با دختر دایی‌اش ازدواج کرده و در دوران عقد به سر می‌بردند، زمانی که با اتهام قتل زن دایی‌اش مواجه شد، منکر این موضوع شد و ادعا کرد که از چیزی خبر نداشته است. او توانست برای جواب ندادن های تلفن همراه با دیده شدنش در محله همسرش – که یکی از همسایه‌ها اعلام کرده بود، فردی را با مشخصات و جمعه شب در محل دیده است – جواب قانع‌کننده‌ای به مقام قضایی و کارآگاهان بدهد.

اعترافات صریح متهم انکارهای مداوم متهم و ضد و نقیض گویی‌هایش ظن مأموران را بیشتر کرد. او پس از چند ساعت بازجویی‌های تخصصی نتوانست رازی که در سینه داشت را بیشتر از این مخفی کند و به ناچار لب به اعتراف کشود و اعلام کرد که مادر همسرش را به قتل رسانده

داماد جوان در اعترافاتی صریح اعلام کرد: «اوایل شب به خانه همسرم رفتم، اما او خانه نبود. کمی با مادرش صحبت کردم که دوباره اختلافات قدیمی به میان کشیده شد و پس از یک جر و بحث مفصل از آنجا بیرون آمدم. حساسی کلافه‌بودم و نمی‌خواستم دیگر کوتاه بیایم، به قصد



ترساندنش با دو نفر از دوستانم نیمه شب به خانه‌اش رفتم و او را به حیاط کشیدم. می‌خواستم بترسانمش اما او کمی سر و صدا کرد، به قصد تهدید چاقو را بیرون کشیدم، اما زمانی به خودم آمدم که او غرق در خون روی زمین افتاده بود. بعد که فهمیدم چه کرده‌ام به همراه دوستانم از آنجا فرار کردم.»

احمد فرزانه، دادستان پردسکن در خصوص این پرونده با بیان اینکه عامل اولیه جنایت اختلافات خانوادگی بوده، ضمن تأکید بر حل و فصل اختلافات در فضایی دور از تشنج و استفاده از مشاوره، به ایستنا گفت: در این رابطه ۳ نفر دستگیر شدند و تحقیقات درباره این پرونده همچنان ادامه دارد. ●

گزارش روز

سرقت از ۶۰ خودرو در آبکوه

دزد سریالی در یک عملیات غافلگیرانه دستگیر شد

سرهنگ عباس صارمی ساداتی ادامه داد: این مرد جوان پس از تشکیل پرونده و تکمیل تحقیقات اولیه به دادسرا معرفی شد و بررسی‌های پلیس برای کشف دیگر جرائم احتمالی از او ادامه دارد. این مقام ارشد نظامی مشهد از شهروندان خواست تا در زمان پارک خودروشان حتماً از تجهیزات امنیتی مثل دزدگیر، جی‌پی‌اس و قطع کن استفاده کرده و به هیچ عنوان مدارک و لوازم هویتی و باارزش خود را داخل خودروشان قرار ندهند. ●

بی‌دلیل دستگیر کرده‌اند. انکارهای این فرد اما دوام زیادی نداشت و با بر ملا شدن سابقه کفیری‌اش و تصاویر چند دوربین مداربسته دستش رو شد. همین سرخ‌ها موجب شد تا این سارق سریالی دست از انکار‌هایش بکشد و لب به بیان حقیقت باز کند. به گفته فرمانده انتظامی مشهد متهم این پرونده که دارای سابقه کفیری سرقت است در جلسه بازجویی صراحتاً به ارتکاب ۶۰ فقره سرقت لوازم خودرو اعتراف کرده است.

پرسه‌زنی در خیابان بود، مشکوک شدند. ضابطان قضایی با تطبیق مشخصات ظاهری فرد مشکوک دریافتند که چهره او با سارق تحت تعقیب برابری دارد از همین رو مجریان قانون وارد عمل شده و طی اقدامی غافل‌گیرانه و قبل از اینکه متهم موفق به فرار شود، او را دستگیر کردند. مرد جوان ابتدا حاضر به همکاری با پلیس نشد و مدعی بود که مرتکب هیچ‌گونه جرمی نشده و در حال رفتن به خانه‌اش بوده است و مأموران او را

شگرد خاص اقدام به سرقت از خودروهای سواری کرده بود. مأموران دایره تجسس کلانتری آبکوه مشهد با کنار هم قرار دادن سرخ‌ها و مستندات به دست آمده از این پرونده چهره فرضی متهم را ترسیم کردند و در اختیار دیگر تیم‌های گشتی پلیس قرار دادند. پیگیری‌های این پرونده ادامه داشت تا اینکه یکی از تیم‌های گشتی کلانتری آبکوه حین رصد میدانی در سطح منطقه خود به مردی جوان که در ساعات پایان شب مشغول

محمد حسن سیرجانی

جدول ۲۸۸۸

مختار تلفن	بی‌خطری	ازماه‌بهران	سمبلیک	درخت سه‌پی	کوچ‌کردن	گونه برجسته	فرم توان‌دو		
خالق منشآت	از مرکبات دوی استقامت	مکان میطل روزه	سوره ۸۹	سنن	فوری	هزار کیلو دست	اسمی منفک طلا	مقروض	
بازار	پلیس مامور	پایا	از تنقلاز توروژی	پرورنده حیوان اهلی	شهر فارس	واحد طول	پرنده شناگر		
مادر روزش‌ها طرف رختشویی دفع مزاحمت	بازی قدیمی الکترونیکی پاچیتروت	ام‌الشرایین	حیوان جنگلی چکاوک	اندوه مختصر		ایزار	اطلاع‌رسانی ساز شاکلی	دند و دنی	مفرغ

بازار	بازار	بازار	بازار	بازار	بازار	بازار	بازار	بازار	بازار
بازار	بازار	بازار	بازار	بازار	بازار	بازار	بازار	بازار	بازار
بازار	بازار	بازار	بازار	بازار	بازار	بازار	بازار	بازار	بازار
بازار	بازار	بازار	بازار	بازار	بازار	بازار	بازار	بازار	بازار
بازار	بازار	بازار	بازار	بازار	بازار	بازار	بازار	بازار	بازار
بازار	بازار	بازار	بازار	بازار	بازار	بازار	بازار	بازار	بازار
بازار	بازار	بازار	بازار	بازار	بازار	بازار	بازار	بازار	بازار
بازار	بازار	بازار	بازار	بازار	بازار	بازار	بازار	بازار	بازار
بازار	بازار	بازار	بازار	بازار	بازار	بازار	بازار	بازار	بازار
بازار	بازار	بازار	بازار	بازار	بازار	بازار	بازار	بازار	بازار

پاسخ جدول ۲۸۸۷

shahr.puzzle@shahrara.com

طراح: محمدرضا علیزاده